



به ارتباط احداث و افتتاح سرک عمومی ولسوالی اشکاشم—شغنان

نوشته مذهب شاه ظهوری

27 جوزای 1390

ناله و افغان ما

کی شود یاران سرک حداث تا شغنان ما
از شکاشم، سوی زیچ و تا حد غاران ما
کی بود بشکسته بینیم گردن این قله ها
زانکه بشکسته درین راه گردن یاران ما
پاره پاره بطن این کوه های شامخ کی شود
چون که خم شد زیر بار این قامت لرزان ما
دیگران رفتند اندر کُره ی مریخ و ماه
زیر کوتل ماند و افسرده و پسمان ما

چند با اسپ و خر خود قطع منزل میکنیم
تا بکی کوتاه نگردد راه نا پایان ما
تا بکی از صبحدم تا وقت خفتن راه رویم
چند لرزد از برودت این تن عریان ما
چند گردد در سفر پر آبله پا های ما
چند باشد سخت و خشک هم توشه و هم نان ما
خون دل خوردیم عمری اندرین راه دراز
لیک کس نشنید باری ناله و افغان ما
زین سبب این مشکلات ما نشد حل تا کنون
جمله بودند خاین و بیداد گر شاهان ما
ای (ظهوری) آرزومندیم اندر هفت ثور
زود تر آید بکف این مقصد و آرمان ما

حوت ۱۳۵۷ مزار شریف

خواننده گان گرانقدر!

متن و محتوای پارچه شعر فوق از جمله آرزو ها ام بود که در خزان ۱۳۵۳ با استفاده از رخصتی های قانونی ام از مزار شریف به شغنان رفته بودم و در بازگشت سفرم، به نسبت توقف پرواز های طیاره باختر نتوانستم ذریعه طیاره به



ولایت کندز بیایم، بناءً نا گزیر به تاریخ ۹ قوس همان سال که آخرین سفر من ازین راه پر خم و پیچ بود به اتفاق برادر بزرگ خود سفرم را توسط اسپ به

جانب ولسوالی اشکا شم آغاز نمودیم و در مدت چهار یوم با مشکلات زیاد به اشکا شم رسیده بودیم. هنوز رنج و زحمت سفر راه شغنان الی اشکاشم فراموش خاطر نگردیده که در دوران تحصیل خود در ولایت بغلان مخصوصاً زمانی که در برج حوت ۱۳۳۷ با یکی از اقارب نزدیک خود با پای پیاده از شغنان بطرف اشکا شم حرکت نمودیم با چقدر مشکلات راه های صعب العبور، کوتل های سر بفلک و نشیبی ها را پیمودیم و با تن خسته و پاهای پر از آبله مسافه چند روزه را پشت سر گذاشتیم و در ششمین روز وارد ولسوالی اشکا شم گردیدیم.

برودت و سردی هوا و سلی های باد تند این مسیر که در وقت تعطیل مکاتب، در برج جدی بطرف شغنان میرفتیم، روی و گوش و بدن ما را آزار میداد. با آنکه چندین سال از آن رنج و زحمت ما سپری گردیده ولی باز هم هر یکی از پیش آمد های آن دوران هنوز چون نقشی بر لوح دل باقی مانده اند.

دوران خورد سالی و کودکی ام تا الحال بیاد م است که مردم شغنان با صنعت های دستی شان چون چکن، دستمال گردن، جراب، دستکش و جاکت ها را با دیگر حاصلات خود از قبیل چهار مغز، مغز زرد آلو، روغن زرد، قروت و



غیره اجناس اضافی شانرا در برج های قوس و یا اوایل برج جدی بالای اسپ های شان بار میکردند و جهت خرید مواد ضرورت اولیه شان از قبیل تکه های زنانه و مردانه (کرباس های سرخ و سفید، چت، ستین، صندوف و غیره) تار، سوزن، نمک و دیگر اشیای مورد ضرورت شان به شهر فیض آباد میرفتند. بعد

از مدت ۲۵ یا ۲۶ روز یا اضافه تر از آن به خانه های شان عودت می نمودند. آنها در سر ما های طاقت فرسا و زمستان های پر از برف و یخبندان راه های صعب العبور و پرتگاه های مخوف را با بسی مشکلات پشت سر می گذاشتند و جهت تهیه خوراک و لباس زن و اولاد شان متحمل هر گونه فداکاری و جان نثاری گردیدند. آنها از شهر فیض آباد دو دوخشت نمک چهار سیره یا پنج سیره را با دیگر اجناس خریداری شده بالای الاغ های شان بار می نمودند و با بسی رنج و مشقت مسافه دوازده روز یا اضافه تر از آن را الی شغنان می پیمودند. زمانی که به خانه های شان میرسیدند، قسمتی از پشت و کمر اسپ و مرکب های شان در زیر بار های سنگین زخم بر داشته، و با تداوی دوا های محلی زخمهای شان در مدت دو ماه بهبود نمی میگردد. و بدتر از این مشکلات، در طول سال های دور و نزدیک تعداد مسافرانی که غرض آوردن مواد مایحتاج فرزندان و خانواده های شان ازین مسیر صعب العبور در رفت و آمد بوده اند، با اسپ و مرکب شان در پرتگاه های مخوف دامنه های کوه بدریای آمو سرنگون گردیده اند و جان های شیرین خود را از دست دادند. یا اینکه تعدادی ازین عابرین به اثر سرا زیر شدن برف کوچ غرق دریا و یا در زیر برف ها نابود شده بودند.

قبل از سال ۱۳۴۰ در مسیر راه شغنان- اشکاشم مسافر خانه ها و کاروان سرای ها جهت بود و باش مسافرین وجود نداشت و مسافرین روی شناخت و یا ارتباط دوستانه و ندرتاً خویشاوندانی که با ساکنین کنار این مسیر میداشتند، شب را در قوشخانه ها یا مهمان خانه های شان سپری می نمودند و صبحگاهان بعد از صرف چای به سفر شان ادامه میدادند.

به حکم وجدان اینجا قابل تذکر میدانم که ساکنین شریف کنار این راه طولانی چون قریه ویر، چوگان تراشان، شاران، درمارخت در شغنان، بداربُن، گل باغ غاران، زیچ، یشتیو، سرشخ، ولیچ، یخدرو، سرجنگل در اشکاشم، به شمول مردم شریف زیباک مصدر خدمات قابل و صف و فراموش ناشدنی گردیده اند. خدمات انسانی، ارزنده و دلسوزانه مردم اشکاشم و زیباک برای مسافرین شغنان، به ندرت برای مسافرین مردم درواز و مسافرین دیگر مناطق دور دست ولایت بدخشان در سالهای های دشوار قابل قدر و فراموش ناشدنی است.

ساکنین کنار این مسیر در طول سال های متمادی نسل به نسل برای مسافرین هر عصر میزبان خوبی بوده و در انجام خدمت برای مسافرین از هیچگونه کمک و مهمان نوازی دوری نمی جستند. آنها مسافرین را به خانه ها و قوشخانه های

خود پناه داده آنها را با اسب و مرکب های شان در فصل های زمستان از سر ما و گزند حیوانات درنده در امان داشته اند. آنها با توانمندی اقتصادی و امکانات دست داشته خویش، خوان نعمت و حرمت خود را از مهمانان دریغ نداشته، ضمناً با تهیه نمودن گاه و جو برای اسب و مرکب، خاطر مسافری را آسوده نگه داشتند.

بدین ترتیب چون خودم نیز از برج حوت ۳۷ الی ۱۳ ختم دوران تحصیل در بغلان و برای آخرین بار در برج قوس ۱۳۵۳ مانند کاروانیان دیگر ازین مسیر سفر نموده در خانه خویشا وندان، دوستان و آشنایان اقامت نموده از خوان نعمت شان لذت بردم. اکنون به پاس خدمات انسانی و زحمات شان، به حکم وجدان دعا میکنم: **آنهايي که نسل به نسل، خدمتگذار مردم بودند و حالا بر حمت پروردگار پیوسته اند، بهشت برین جای شان باد و آنها ئیکه هنوز در قید حیات اند، خداوند پاک آنها را همیشه از چشمه عزت سیراب گرداند.**

کاروانیانی که از ولسوالی شغنان بطرف اشکاشم سفر می نمودند اکثراً از صبحگاهان الی شامگاهان راه پیمایی می نمودند و با تن خسته و مانده به منزل های پیش بینی شده شان میرسیدند. آنها در طول سفر های روزانه شان بطور عموم با خوردن کله های سخت و خشک، توت و تلخانی که به منظور توشه راه با خود میداشتند و سفر شان را طی می نمودند و جهت رفع تشنگی شان از آب های سرد چشمه ها و رود های مسیر راه استفاده می نمودند.



به همین شکل راه شیوه نیز که شش ماه آن همیشه پوشیده از برف های ضخیم و شش ماه دیگر آن جهت رفت و آمد به ولسوالی بهارک و شهر فیض آباد مساعد و نزدیک بود، مانند مسیر راه شغنان الی اشکاشم با وجود داشتن کوتل های پر از نشیب و فراز، دارای خطرات جانی برای عابرین بود. زیرا هنگامیکه در فصل تابستان حرارت آفتاب افزود میگردید، برف های غنوده کوه ها و تپه های منطقه شیوه ذوب می شد و به رود های سهمگین و خروشان تبدیل میگردیدند. از طرف دیگر چون نسبت نبودن پل های ارتباطی دو کنار رود ها عبور نمودن و گذشتن ازین رود ها خیلی ها مشکل بود و ناگزیر جهت رسیدن به منزل شان گاهی بواسطه اسب و زمانی هم این کاروانیان دو ویا سه نفر دست های همدیگر را گرفته با زحمات زیاد از میان رود ها میگذشتند. ولی دیده شده که در طول سال های متمادی تعدادی از انسان ها و حیوانات با بار های شان درین رود های خروشان غرق و جان های شیرین خود را از دست داده اند.

همچنان خودم نیز به خاطر دارم هنگامیکه عده ی از کاروانیان در اواخر برج میزان غرض تهیه مواد اولیه و اشیای مورد ضرورت خود به فیض آباد رفته اند در باز گشت شان در برج عقرب یا قوس به اثر طوفان و برف باری های شدید در قسمت های (کرخ و گرنک) که در نزدیکی های جهیل شیوه میبا شد، با اسب و مرکب های شان در زیر برف های سنگین مانده جان های خود را از دست داده اند که حتی جسد های تعدادی ازین جان باخته گان توسط بازمانده گان شان و مردم محل در برج جوزا از زیر برف هابیرون آورده شده در همان محل مدفون گر دیده اند.

با توضیحات و تفصیلاتی که تذکر داده شد مردم بیچاره ولسوالی شغنان و دیگر مسافرین این دو مسیر در طول سال های متمادی دچار انواع مشکلات بوده و عده ی از عزیزان شان را درین راه ها از دست داده تا آخرین رمق حیات خود سوگوار بوده اند.

ولی به گمان اغلب در سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۳ در زمان سردار محمد داوود رئیس جمهور افغانستان توسط تاج محمد خان (وردک) والی بدخشان از قسمت سرک عمومی ولسوالی بهارک و فیض آباد الی کوتل بام دره و قسمت های دیگر شیوه جهت رفت و آمد موثر بطرف ولسوالی شغنان سرک احداث گر دیده بود که همزمان با آن مسئولین ولسوالی شغنان نیز با وسایل دست داشته مردم منطقه در احداث این سرک اقدام و قسمت های زیاد این مسیر را بطرف شیوه هموار نموده بودند. اما از اینکه بالای رود های ساحه منطقه شیوه پل ها اعمار نگردید سبب مایوسیت مردم گر دیده، با آخره با گذشت زمان مخصوصاً

قسمت های کوتل بام دره به اثر رفت و آمد کوچی ها و رمه های شان به شیوه این سرک دوباره تخریب گردید.

بعد از سال ۱۳۷۰ به اثر فعالیت و زحمات قوماندان بصیر (خالد) قوماندان برجسته حزب جمعیت و مردم شریف شغنان این سرک دوبار بصورت درست احداث و مورد بهره برداری قرار گرفت. با احداث این سرک قسمت زیاد مشکل مردم ما مر فوع گردید والی مدت چهار و یا پنج ماه اهالی شغنان جهت تهیه مواد و اشیای مورد ضرورت شان ذریعه موتر به مرکز ولایت رفت و آمد می نمایند ولی باز هم مشکل مردم بطورکل حل نگردیده و مجبور می بودند در فصل سرمای زمستان جهت انجام امور ضروری شان همان کوتل های پر خم و پیچ و یخبندان را پشت سر گذاشته با هزاران رنج و مشقت به ولسوالی اشکاشم و فیض آباد سفر می نمودند.

ولی خوشبختانه چهار سال قبل مردم شریف اشکاشم، زیچ، غاران و مردم ولسوالی شغنان با تحرک و تصامیم قاطع و دلسوزانه جهت احداث سرک اشکاشم الی شغنان به پا برخاستند و خورد و بزرگ جهت بسر رساندن و اکمال این پروژه عام المنفعه مصدر خدمات نا فرا مو ش شدنی گردید ند.

اما با تأسف تعدادی از ین جوانان با احساس و مردم دوست مانند **سید شریف** باشند غاران و هموطن دیگر از ناشک قریه ویر شغنان که بیشتر از دیگران



Mr. Sayed Sharif working in site on Sunday, June 28, 2009, 4:12:48 PM

در بر آوردن آرمان مردم غریب و عقب مانده این مناطق کو هستانی تپ و تلا ش می نمودند در حین انجام خدمت به مردم جان های شیرین خود را از دست دادند و باز مانده گان شانرا سوگوار گذاشتند. خداوند پاک

روح این جان باخته گان را بهشت برین و برای باز مانده گان شان صبر و شکیبایی فراوان عنایت فر ماید.

آری، در طول سه الی چهار سال به اثر زور بازو و کمک های پولی مردم زحمت کش این مناطق وتوجه و کمک های همه جانبه بعضی از نهاد های

خارجی بشردوست بطن و دامنه های کوه های سر بفلک و مخوف مناطق زیچ، غاران و کوه های ولسوالی شغنان شگافته و پاره پاره گردید و دست های پر قدرت مردم ماسد های سهمگین طبیعت را در هم شکست و سرک عمومی ولسوالی اشکاشم الی شغنان را برای همیشه هموار ساختند و برای دره نشینان این ولسوالی ها پیام های جان بخش و شادی آفرین را آورد.

شامگاهان تاریخ ۲۹-۹-۱۳۸۹ به وقت کابل بود که برادرم سره بیک خان مدیر لیسه چاسنود علیا از مرکز ولسوالی شغنان تلفونی در کانا دا مرا مژده داد که در همین تاریخ اکثریت مردم در مرکز ولسوالی تجمع نموده و رسیدن اولین موتر مسافر بری از اشکاشم به شغنان را با شور و شغف جشن گرفتند و گوسفندانی را درین راه ذبح نمودند.

با شنیدن این نوید روح بخش که سال های زیادی را درین راه رنج سفر کشیده بودم و حالا این همه مشکل مرفوع گردیده است. چون هزاران هموطن و برادران خود قلباً و روحاً آرامش پیدا کرده، نهایت خوشحال و خورسند گردیدم.



ضمناً از اینکه این بار سنگین سفر دور و دراز از دوش و شانه های ما واز پشت اسب و الاغ های مردم ما برای ابد دور انداخته شد و سفر چند روزه ما به یک روز تقلیل یافت، لازم میدانم این خوشحالی بزرگ و باز شدن این جاده خوشبختی را برای فرد فرد مردم این مناطق کو هستانی تبریک و مبارک باد گفته و سفر های بی خطر و با عافیت از خداوند پاک همیشه میخواهم. همچنان آرزو دارم که این سرک در آینده نزدیک بطور اساسی به پایه اکمال رسیده، در قالب اسفلت و پخته کاری مورد استفاده مردم ما قرار بگیرد.

با احترام
(ظهوری)